



ممنوعیت نمایش ساز در رسانه ملی در بوته نقد

سید اباذر علوی^۱

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر
سال پنجم | شماره ۸ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
شاپا: ۰۰۳۴ - ۲۸۲۱ | ص: ۲۶۳ - ۲۹۲

چکیده

از جمله موضوعات چالش برانگیز امروزه در بین برنامه سازان رسانه ملی، مسئله نمایش ساز است که به فتوای حضرت امام و رهبری معظم جایز نیست. از آنجاکه عمده دلیل مطرح در مسئله را ترویج موسیقی مبتذل بیان نموده‌اند به نظر می‌رسد با تحلیل دقیق ادله اولیه و تبیین مناسبی از ادله ثانویه و باتوجه به جایگاه رسانه ملی در توسعه فرهنگ ایرانی اسلامی و با رعایت موازین، می‌توان در راستای ترویج موسیقی فاخر، حکم به جواز نمایش ساز در رسانه ملی داد.

واژگان کلیدی: موسیقی، لهر، ساز، رسانه ملی، نمایش، ترویج ابتدال.

۱. استاد سطوح عالی حوزه و دانش آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام s.a.alavi.ssa@gmail.com

❁ ۱. مقدمه

فقه، هنر و رسانه، سه ضلع اثرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه اسلامی است. فقها به‌عنوان حافظان شریعت، در این باره رسالتی بس خطیر دارند؛ امروزه و باتوجه‌به گستره موضوعات مختلف، دایره احکام شریعت نیز گسترش یافته است و براین اساس، تخصصی‌شدن فقه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. تحقیق پیشرو، نتیجه همین رویکرد است که در حوزه فقه هنر و رسانه صورت‌گرفته است.

این پژوهش ضمن بررسی ادله اولیه و ثانویه در رابطه با نمایش آلات موسیقی بررسی و حکم فقهی مسئله را باتوجه‌به اقتضائات رسانه ملی تبیین نموده است.

در خصوص چرایی انتخاب موضوع باید گفت که مشی رسانه ملی از سال‌های آغازین پیروزی انقلاب تاکنون بر عدم نمایش ساز و ادوات موسیقی بوده است؛ تا جایی که برنامه‌سازان، مدیران و هنرمندان، این تصمیم را با سلیقه مدیران، غیرمرتبط دانسته و آن را دستوری حاکمیتی تلقی نموده‌اند.

از سوی دیگر، این تصمیم، موانع بسیاری را برای هنرمندان عرصه موسیقی و نیز سازندگان برنامه‌های تلویزیونی فراهم کرده و تأثیر بسزایی در کیفیت برنامه‌سازی گذاشته است و اصولاً این سؤال را ایجاد کرده که بر فرض جواز اسماع، سماع و استماع موسیقی، چه دلیلی بر منع نمایش ادوات آن وجود دارد؟

این تحقیق، فارغ از آثار اجتماعی و روان‌شناختی موسیقی، صرفاً از منظر فقه و باتوجه به ادله و مستندات موجود در احادیث و متون فقهی، به بررسی جواز یا عدم جواز نمایش ساز می‌پردازد. در نتیجه، با انجام این تحقیق پس از تبیین اصل، حکم مستندی برای سیاست‌گذاری‌های رسانه ملی فراهم می‌آید. درحقیقت، ثمره علمی این پژوهش، به همان اندازه ثمره کاربردی آن اهمیت دارد. در این پژوهش پس از تبیین مفردات و بیان گستره مفاهیم، ادله مطرح‌شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و ضمن بیان حکم اولیه و ثانویه در مسئله به نقد ممنوعیت نمایش آلات موسیقی از قاب تلویزیون پرداخته است. در این خصوص و باتوجه به جایگاه رسانه ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رسانه‌ای حکومتی، فرمایشات امام راحل و رهبری معظم انقلاب به‌طور ویژه مورد تحلیل قرار گرفته است.

❁ ۲. مفهوم‌شناسی و بیان گستره مفاهیم

در آغاز مفهوم برخی مفردات دخیل در بحث همچون موسیقی، غنا، ملامی و لهو تبیین شده و در ادامه به گستره برخی از آنها و محل نزاع اشاره می‌شود.

۲-۱- موسیقی

معنای لغوی: دکتر معین در تعریف موسیقی می‌گوید: «فن ترکیب اصوات به نحوی که به گوش، خوشایند باشد» (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۳۵). دهخدا در این باره می‌نویسد: «برگرفته از زبان یونانی؛ علم تألیف لحون؛ فن تألیف الحان؛ علم ادوار؛ علم نغمات؛ علمی است که بدان احوال نغمات و ازمنه آن توان دانست؛ صفت آهنگ‌ها و نغمات؛ دانش سازها و آوازه‌ها؛ غنا؛ خُنیا؛ ترکیب اصوات به صورت گوش‌نواز» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۷۹۵).

در کتب لغت عربی، لفظ موسیقی تعریف نشده است. بر این اساس، ناچار از مراجعه به دانشنامه‌های این فن و فهم معنای اصطلاحی آن هستیم.



معنای اصطلاحی: فارابی در احصاء العلوم موسیقی را چنین تعریف می‌کند: «علم موسیقی به طور کلی از شناختن انواع الحان و آنچه الحان (آهنگ‌ها) از آن‌ها ساخته می‌شود، بحث می‌کند و روشن می‌سازد که الحان برای چه غرض‌هایی تألیف می‌شوند و چگونه باید تألیف شوند و باید چگونه باشند تا تأثیر آن‌ها بیشتر و دل‌نشین‌تر گردد و آنچه به این نام معروف شده است، دو علم است: اول، علم موسیقی عملی و دوم، علم موسیقی نظری» (فارابی، بی‌تا، ص ۸۶).

ابن سینا در شفا می‌نویسد: «موسیقی، علمی ریاضی است که در آن، از احوال نغمه‌ها از حیث سازش و ناسازگاری در برابر هم و همچنین از حالات زمان‌های میان این نغمه‌ها بحث می‌شود تا بدین وسیله، کیفیت ترکیب الحان شناخته شود. بر این اساس، علم موسیقی شامل دو بحث می‌شود: یکی آنکه از احوال نغمات بحث می‌کند که به آن، علم تألیف گویند و دیگری، به احوال زمان‌های میان نغمات می‌پردازد که آن را علم ایقاع می‌نامند» (ابن سینا، بی‌تا، ص ۹).

بنا بر آنچه بیان شد، موسیقی برخلاف آنچه مصطلح شده است، به معنای آهنگ نیست، بلکه دانش ساخت آهنگ را موسیقی می‌گویند؛ اگرچه در محاورات عرفیه، موسیقی را به نغمه و آهنگ نیز اطلاق می‌کنند؛ شبیه این استعمال درباره لفظ «صدا» نیز وجود دارد که به معنای انعکاس صوت است و در بیشتر موارد، به اشتباه به جای صوت به کار می‌رود.

۲-۲- غنا

معنای لغوی: در بیان اهل لغت تعابیر مختلفی در معنای غنا شده است. العین (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۴۵۰) و المحيط (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۳۵) معنای غنا را «صوت ممدود» دانسته‌اند. جوهری نیز در ماده «غنا» صرفاً به معنای کلی آن بسنده کرده است و می‌گوید: «الْغِنَاءُ بِالْكَسْرِ مِنَ السَّمَاعِ؛ غناء از جمله شنیداری‌هاست» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ۲۴۴۹) اما در جای دیگری معادل فارسی آن را «دوبیتی» (جوهری،

۱۴۱۰، ج ۶، ۲۲۹۴) دانسته است. همچنین ابن اثیر در نهاییه می نویسد: «هرکس صدای خود را بلند و ردیف کند، عرب به چنین آوایی غنا می گوید» (ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۳۹۱). فیتومی غنا را صوت آورده است (فیتومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۵) و طریحی در مجمع البحرین غنا را صوت مشتمل بر ترجیع مُطرب یا آنچه در عُرف غنا دانسته شود، بیان کرده است، اگرچه مطرب نباشد (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۲۱).

معنای اصطلاحی: نظیر اختلافی که در عبارات‌های اهل لغت وجود دارد، در کلمات فقهای عظام نیز به چشم می خورد؛ به گونه‌ای که شیخ طوسی در مبسوط (طوسی، ۱۳۸۷، ابن ادریس) و ابن ادریس در سرائر (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۰) آن را «صوت ممدود» دانسته‌اند و محقق حلی نیز با اینکه در شرایع، در باب صفات شهود، نامی از غنا به میان نیاورده است و لکن از توضیحی که بیان کرده است و استفاده‌ای که متأخرین ایشان از این تعریف نموده‌اند، ظاهر می شود که وی در مقام بیان تعریف غنا بوده است و می گوید: «کشیدن و گرداندن طربناک صوت» (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۱۷) و مرحوم نراقی در مستند به دوازده معنا اشاره کرده است (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، صص ۱۲۴-۱۲۵).

بر اساس تحقیق نگارنده (ر.ک: علوی، ۱۴۰۰، صص ۳۶-۴۵)، غنا در اصطلاح روایات به معنای «آواز مبتدل» است؛ چیزی شبیه «ترانه» مصطلح در فرهنگ پس از انقلاب؛ اگرچه ترانه از اقسام شعر است و ارتباطی با موسیقی ندارد؛ اما در عُرف، بیشتر موسیقی‌های زمان رژیم طاغوت را با این عنوان می شناختند؛ هرچند ممکن بود، نه اطراب داشته باشد و نه ترجیع و چه بسا از مضمون خوبی نیز برخوردار بود؛ ولی متدینین در آن زمان به آن ترانه می گفتند و از شنیدنش اجتناب می کردند و این نیست، مگر به دلیل خصوصیتی که در این سبک از آهنگ وجود دارد. بر این اساس، هیچ کدام از ریتم، نُت، طرب، ترجیع و دستگاه آوازی، نقشی در غنا ندارد و آنچه مهم است، تشخیص عُرف است و آنچه را که عُرف، آواز مبتدل تشخیص دهد، همان غناست و حرام. البته باید گفت غنا از جنس آواز است، نه نوای ساز که این معنا از روایات مفسره «قول الزور» یا «لهو الحدیث» که تصریح به «گفتار» دارد، به دست می آید؛ همچنان که در کلمات اهل لغت



و فقها به آن اشاره شده است. اما از نظر حکمی، اگر موسیقی بی کلام نیز همین اوصاف را داشته باشد و موجب ضلالت در عقیده یا عمل گردد، ملحق به غنا می شود و در نتیجه با توسعه در مفهوم غنا می توان آن را به «آهنگ مبتدل» تفسیر کرد.

۳-۲- مlahی

معنای لغوی: العین، مlahی را تعریف نکرده است و تنها در تعریف بعضی سازها، آن‌ها را از مصادیق مlahی ذکر نموده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۵۴ و ج ۷، ص ۴۷۲). همچنین المحیط (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۱) و صحاح (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۴۰۳) بدون اشاره به معنای مlahی، در بیان معنای معازف (آلات موسیقی)، آن را مlahی معنا کرده‌اند. لسان العرب نیز مlahی را آلات لهو می داند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ج ۱۵، ص ۲۵۹).

معنای اصطلاحی: مرحوم نراقی، مlahی را جمع مله‌آه می داند و مله‌آه را آلت لهو (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۳) و در ادامه، پس از بررسی مفهوم «آلات لهو» و «کل مله‌آه به» و «ما یتخذ للهو» می گوید: «قدر متیقن از مlahی، صنف مخصوصی از آلات لهو است که در فارسی به آن، انواع سازها می گویند» (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۶).

عبارات شیخ انصاری مختلف است ولی در کلام ایشان نیز مlahی به معنای آلت لهو به کاررفته (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۶) و در باب کسب به آلت لهو می گوید: «قدر متیقن از آلات لهو، آن چیزهایی است که از جنس نی و طبل و آلات غنا باشد» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۷).

در نتیجه، مlahی به معنای آلت لهو است که عموماً بر سازهای موسیقی صدق می کند و توجه به این نکته ضروری است که دو حیث در مlahی به معنای ساز ملاحظه می شود: یکی حیثیت آلیت آن و دیگری اثر و نغمه‌ای که ایجاد می کند. پس تفاوتی نخواهد داشت که سازهای متعارف در زمان صدور روایات باشد یا سازهای جدید یا حتی ابزار و آلاتی همچون رایانه.

۴-۲- لهو

معنای لغوی: فراهیدی در العین درباره ماده «لهو» می‌گوید: «لهو عبارت است از آنچه به هوا و شهوت یا طرب و از خود بی‌خود شدن سرگرمت کند» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۸۷). المحيط فی اللغة ذیل ماده لهو آورده است: «لهو آن میل و طربی است که سرگرمت کند» و همچنین می‌گوید: «الصَّرْفُ عن الشَّيء؛ روی گردانی از چیزی» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۶۱). جوهری در صحاح معنا می‌کند: «وَأَلْهَاهُ، أَى شغله؛ سرگرمش کرد» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۴۸۷).

معنای اصطلاحی: شیخ انصاری احتمالات مختلفی را در این باره بیان کرده است از جمله:

۱. معنای عرفی لهو که تشخیص آن امری وجدانی است به گونه‌ای که مناسب با ساز و رقص و چیزهایی است که قوای شهوانی را تحریک می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۹۷).

۲. معنای مستفاد از روایت تحف به معنای آن چیزی که از او محضاً فساد عاید می‌شود و هیچ وجه صلاحی در آن وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۳).

۳. معنای مستفاد از صحاح و قاموس که مطلق لعب و سرگرمی باشد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۷).

۴. آن چیز یا آن حرکتی است که یکون عن بَطْرٍ، و بَطْرٌ، یعنی آن سرکشی و غروری که ناشی از توانگری و ثروت و این چیزهاست. بَطْر را هم خود ایشان شدّة الفرح معنا کردند و مثال می‌زنند به رقص و تصفیق (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۷).

۵. معنای مستفاد از برخی روایات به معنای هرآنچه انسان را از یاد خدا غافل کند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴).

بنابراین، از مجموع آنچه بیان شد روشن می‌شود معنای «لهو»، اشتغال و سرگرم شدن به چیزی است که موجب دوری از حق گردد. البته این سرگرمی و اشتغال صور مختلفی دارد که این اختلاف، در لهو محرم ظهور پیدا می‌کند.



۵-۲- اشاعه

در لغت نامه دهخدا، «اشاعه» به معنای آشکارکردن، فاش و آشکارکردن خبر و غیر آن بیان شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵۹۳).

در العین، «شاع الشيء» به معنای «ظهر» آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۰) که همان آشکارشدن است. راغب در مفردات «شیاع» را انتشار و تقویت معنا کرده است و «شاع الخبر» را زیادشدن و قوی شدن آن می داند و «شاع القوم» را گسترش و کثرت ایشان بیان نموده است (اصفهانى، ۱۴۱۲، ص ۴۷۰). در مجمع البحرین، ذیل آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» (نور: ۱۹) چنین می گوید: «أى يشيعونها عن قصد الإشاعة؛ با قصد آشکار کردن گسترش می دهند» (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۵۵).

براین اساس، می توان گفت در شیوع، «قصد» لازم نیست، ولی اشاعه در صورتی تحقق می یابد که «قصد» باشد.

۶-۲- آلات مختص و مشترک

فقه‌های عظام، سازها را به مشترک و مختص تقسیم می کنند.

محقق ثانی در جامع المقاصد می گوید: «آن طبلی که غرض قصد شده از آن، امری حلال باشد مثل طبل جنگی، نگهداری اش حلال است» (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۰۷).

البته از عبارت ایشان چنین به دست می آید که این موارد، صرفاً مشترک لفظی است؛ چون درباره طبل لهو می فرماید که به این طبل، اصطلاحاً «کوبه» می گویند و شکل ظاهری اش نیز متفاوت از سایر طبل هاست؛ به این صورت که وسط آن، باریک و دو طرفش وسیع است (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۰۷).

مرحوم نراقی، مراد از «ملاهی» یا «آلات لهو» یا «کَلِّ ملهوّ به» را آن چیزی می داند که برای لهو آماده و ساخته می شود و عرفاً به آن، آلت لهو می گویند و نه آنچه منفعت مقصوده اش امر حلالی باشد؛ مثل طشت یا گردو [اگرچه مورد بهره برداری لهوی قرار گیرد] و درنهایت،

قدر متیقن از «ملاهی» را، سازهای موسیقی بیان می‌کند که نشان می‌دهد، ایشان آلات موسیقی را آلات اختصاصی لهو می‌داند؛ همچنان که در تفاوت دایره دارای زنجیر (دف) با دایره بدون زنجیر می‌گوید: چه بسا این تفاوت به سبب تمییز آلت مختص به لهو و آلت مشترک باشد؛ اگرچه امروزه جمیع افراد آن برای لهو به کار می‌رود (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، صص ۱۶۵-۱۶۶).

اما اشکالی که ممکن است بر کلام مرحوم نراقی وارد شود این است که امروزه باتوجه به اشتراک سازهای مختلف در شکل ظاهری و نیز گستره اغراض حلال در به‌کارگیری از این سازها، چگونه می‌توان ساز و آلت موسیقی را به‌عنوان مصداق قطعی آلات لهو دانست؛ برای مثال، در روزگار قدیم برای تهییج قوات عسکریه و لشکریان و رزم‌جویان، از طبل جنگی استفاده می‌شد و از بعضی تعابیر، چنین به دست می‌آید که از نظر ظاهری نیز با طبل غنا متفاوت بوده است.

این مطلب در دنیای امروز وضوح بیشتری دارد چراکه امروزه در خود گروه موزیک نظامی نیز دیگر به سازهایی خاص اکتفا نمی‌شود و علاوه بر طبل، سازهای بادی و صنج و... نیز استفاده می‌شود و حتی بالاتر از آن، اصولاً برای تهییج عموم مردم به مسئله جهاد و رزم، دیگر به گروه موزیک نظامی اکتفا نمی‌شود، بلکه ارکسترهای بزرگ، خلق این آثار را بر عهده دارند.

بنابراین بعید نیست بگوییم اینکه مرحوم نراقی در مستند، بعضی سازها مثل کرنا را باتوجه به کاربرد آن، به‌عنوان سازهای مشکوک نام می‌برد و حکم به اباحه آن می‌نماید (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۶)، ناظر به همین مسئله است.

۷-۲- نسبت لهو و موسیقی و مناط حکم شرع

بر اساس آنچه در تبیین مفردات گذشت روشن است رابطه لهو و موسیقی عام و خاص من وجه است و لکن با مشاهده روایات و کلمات قدمای از فقها، درمی‌یابیم غالباً تعینات موسیقی با عنوان لهو یاد شده است و مباحث آن، ذیل این عنوان دنبال می‌شود.



به همین منظور لازم است با اشاره به برخی تعابیر موجود در کتب فقهی، حقیقت امر روشن گردد.

شیخ صدوق با اشاره به آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (لقمان: ۶) می‌گوید: «لهو الحدیث به غنا تفسیر شده است» و فتوا به اجتناب از ملامتی می‌دهد (صدوق، ۱۴۱۵، صص ۴۵۶ و ۴۵۸). شیخ طوسی در خلاف، دلیل حرمت غنا را همین آیه می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۶) و در استبصار، وجه جواز را در غنای مُغْنِيَّة، منوط به عدم استفاده از ادوات لهو بیان می‌کند؛ ولی جایی که مشتمل بر یکی از انواع لهو باشد، حکم به حرمت آن می‌دهد (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۲).

در مقابل مرحوم نراقی درباره غنا تصریح می‌کند که لهو، نه نفس غنا بوده است و نه عارض بر آن و نه از مشخصات آن، بلکه حرامی است مقارن با غنا (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۴۳). در جای دیگری منکر حرمت مطلق الهاء می‌شود، (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۷۱) لکن استفاده از ساز را مطلقاً لهو می‌داند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۶۴).

شیخ اعظم نیز غنا را غیر از لهو دانسته اگرچه معیار در حرمت غنا را لهوی بودن آن می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۹۶) و لکن آلات ملامتی را مصداق لهو می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۸).

آیت الله خوئی با تأکید بر حیثیت تقییدیه لهو می‌گوید: می‌دانیم که مضاف الیه، خارج از حدود مضاف است؛ پس جزئی از آن نخواهد بود، مگر به صورت اشتراط و تقیید؛ حال وقتی که شناخت حکم فرع بر شناخت موضوع با تمام قیود و شئونش باشد، چاره‌ای نیست مگر اینکه حقیقت لهو را بدانیم، و از روشن‌ترین مصادیق آن، امروزه آواز خوانی اهل فسق و لهو است در رادیو و امثال آن» (خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶).

بنابراین واضح شد که حیثیت تقییدیه لهو در موضوعاتی چون غنا و اشتغال به ملامتی، موجب حرمت می‌شود که این مطلب در بیان شیخ اعظم نیز به چشم خورده (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۶) و رهبری معظم به آن تصریح می‌نماید (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۲۶).

و اما در چپستی این قید و خصوصیتی که موجب حرمت لهُو می‌شود باید گفت: مراد، اشتغال از ذکر خداست که این اشتغال، گاهی در عقیده است و گاهی در عمل و اگر در عقیده باشد، قطعاً به لحاظ کردن قید اضلال در آن نیازی نیست؛ چراکه در مقام عقیده، اشتغال عن ذکر الله یا سبیل الله، همان اضلال است و اما اگر در عمل باشد، مراتبی دارد که مراتب پایین آن، حرمتی ندارد؛ همچون بسیاری از لهوهای روزمره و اگر موجب تحریک شهوت و عمل به محرّمات باشد، حرام خواهد بود.

از ملاحظه عبارت‌های فقها درمی‌یابیم که حرمت اشتغال به ساز، ناظر به استفاده خاص آن است به این معنی که کاربری و انتفاع خاص با تمام قیود آن لهوی و موجب فساد عقیده یا عمل گردد؛ از جمله مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۶۸) و شیخ اعظم (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۸) و حضرت امام (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۶۹) که به این مطلب تصریح کرده‌اند.

از همین رو است که در بسیاری از موارد به جای لفظ معارف (ساز) از ملاحی استفاده شده است، و این نشان می‌دهد درحقیقت، آنچه موجب حرمت می‌شود، قید لهُو است؛ البته نه هر لهوی، بلکه لهوی که شخص را به فساد عقیده یا عمل دچار کند؛ یعنی لهُو مضل. پس اگر بتوان از این آلات، انتفاعی غیر لهوی بُرد، دیگر موضوع حرام نخواهد بود و در این مهم تفاوتی بین سازهای مختلف از جمله سنتی یا الکترونیک و... وجود ندارد.

۸-۲- جایگاه نمایش ساز در روایات

در میان روایات مرتبط با حوزه غنا و موسیقی، قطعاً روایات بسیاری را می‌توان یافت (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۱، ح ۳ و ج ۸، ص ۳۶، ح ۷ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۳۱، ح ۳۵ و ج ۱۷، ص ۳۱۰، ح ۲۷) که به مقتضای اطلاق یا عموم، موضوع نمایش ساز را نیز دربرمی‌گیرند؛ از جمله موثقه سکونی: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَّهُا كُفْرٌ عَنِ الرَّفْنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُؤْبَاتِ وَالْكَبْرَاتِ»



(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۲، ح ۷). اما گذشته از دلالت روایات سؤال این جاست که آیا می‌توان موضوع نمایش ساز را مشمول حکم کلی مستفاد از روایات دانست یا خیر که این مطلب، خود فرع بر این سؤال است که آیا نمایش ساز، فرع بر احکام آلات موسیقی است یا موضوعی نوپدید و مستقل به‌شمار می‌رود؟

برای عنوان عام و وسیع «اشتغال به ملامی» که در کلام فقها استفاده شده است می‌توان مصادیق متعددی بیان کرد از جمله ساختن، نواختن، شنیدن، شنواندن، خرید و فروش، نگهداری، عاریه‌دادن و سایر انتفاعات که موضوع نمایش ساز را نیز شامل می‌شود که هم شامل نمایش فیزیکی و خارجی می‌شود و هم نمایش از طریق رسانه و سخن در این مجال، در خصوص نمایش آن از طریق رسانه ملی است.

هرچند موضوع نمایش ساز یکی از توابع اشتغال به موسیقی و ساز بوده و مشمول احکام جاری در همان موضوعات، اما ممکن است به سبب خصوصیتی، حکمی دیگر داشته باشد و این خصوصیت، موجب جریان ادله ثانویه در مسئله شود.

در این رابطه استاد علی‌دوست در موضوعی مشابه می‌گوید: «اگر [نص] می‌گوید لغو، نهایتاً مکروه است، معنایش این نیست که در هر شرایطی این‌طور است، بلکه معنایش این است که لغو، اگر اقتضائات دیگری نباشد، لغو است؛ ولی اگر بخواهد از رسانه پخش بشود، چه کسی گفته پخش لغو از رسانه مکروه است؟ یا مثلاً اگر برنامه رسانه به ترویج مصرف‌گرایی، ترویج مسابقه در مادیات و تکاثرطلبی منجر شد، مسئله فرق می‌کند. ترویج لغو غیر از خود لغو است. این یک موضوع است و آن یک موضوع دیگر» (همازاده ایبانه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷).

بنابراین، پیش از آنکه مسئله، ذیل احکام کلی موسیقی دنبال شود، باید در جستجوی خصوصیتی بود که بحث را از سایر مصادیق اشتغال متمایز می‌کند.

در تبیین این خصوصیت می‌توان گفت که باتوجه به جایگاه رسانه ملی در کشور ما به‌عنوان رسانه‌ای جریان‌ساز و فرهنگ‌ساز که موجب می‌شود مسئله نمایش ساز از صداوسیما جمهوری اسلامی، دیگر مسئله‌ای فردی نباشد و از مصادیق فقه اجتماعی

یا حکومتی مطرح شود و تابع مصلحت عامه یا عناوینی چون ضرورت و... قرار گیرد؛ می توان گفت هر آنچه از این قاب پخش می شود، عنوان ثانویه پیدا می کند. بنابراین روشن می شود اگرچه نمایش ساز به تنهایی از توابع اشتغال به آلات موسیقی و تابع حکم اولیه آن به شمار می رود؛ اما قرارگرفتن این موضوع در رسانه ملی می تواند عنوان دیگری را (فارغ از حکم اولیه به حرمت یا جواز) ایجاد کند که موجب حکمی مغایر با حکم اولیه شود.

❁ ۳- نقد ممنوعیت نمایش ساز از رسانه ملی

با روشن شدن مفاهیم و تبیین محل نزاع در اینجا لازم است به موضوع اصلی این نوشتار که نقد ممنوعیت نمایش ساز از رسانه ملی است پرداخته شود و از این رو ابتدا فتاوی مطرح در مسئله و سپس حکم آن بر اساس ادله اولیه و ثانویه بررسی خواهد شد.

۳-۱- مرور برخی فتاوا

اگرچه موضوع محل بحث امری نوپدید است و نمی توان از عبارات قدما شهرت یا اجماعی در آن یافت و لکن طرح فتاوا به دلیل اختلاف هایی که در ادله و مناطات وجود دارد، حائز اهمیت است؛ همچنان که بعید نیست وقتی کسی به حرمت قائل می شود و مستند کلامش را روایت تحف (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۰۱، ح ۱) می داند که به جمیع شئون و قالب ها تصریح نموده است، مسائل نوپدید را نیز در برمی گیرد؛ بنابراین، باتوجه به اینکه موضوع از فروع اشتغال به ساز است، سخن فقهایی که مطلقاً حکم به حرمت هرگونه اشتغالی به آلات موسیقی نموده اند مناسب مقام بوده و می توان قول ایشان را بر محل کلام منطبق دانست؛ هرچند مصداق فعلی منظور ایشان نبوده باشد. از جمله عباراتی که در فقه الرضا علیه السلام آمده، مبنی بر حرمت هر چیزی است که ملامتی باشد (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۲۸۲) یا فرمایش شیخ صدوق در مقنع که فتوا به اجتناب از ملامتی می دهد (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۴۵۸) یا سخن ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰،



ج ۲، ص ۲۱۵) و محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۱۷) و بسیاری دیگر و همچنین قول به حرمت فی الجمله در آلات ملاحی که به تکرار نیاز ندارد.

برخی از معاصرین مطلقاً آرائه موسیقی را در رادیو و تلویزیون جایز نمی دانند؛ همچون مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی که درباره برنامه های صداوسیما می گوید: «باید از بخش هایی از آن (برنامه ها) که متضمن غنا و سازوآواز و استعمال آلات طرب و به اصطلاح موسیقی ولو سنتی باشد، اجتناب نمود» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۳۷) و نیز امام راحل در اوایل انقلاب، به حذف کلی موسیقی از رادیو و تلویزیون قائل بودند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۰۴).

در آن طرف، فتوای دیگری از حضرت امام وجود دارد که به پخش موسیقی از رادیو جمهوری اسلامی به تفصیل قائل شدند و می گویند: «موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد» (امام خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۶). همچنین رهبری معظم در درس خارج فقه خود، در پاسخ به علت جلوگیری از نمایش ساز در سیمای جمهوری اسلامی می گویند: «این تهتک است. نفس نشان دادن این آلات در سیمای عمومی کشور که همه می بینند، خود این، نزدیک کردن مردم به این فضای رواج و غلبه این اشیا در جامعه است. این را ما از مذاق شرع به کلی دور می بینیم؛ لذا که آن را اجازه ندادیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۰/۲۲).

۲-۳- بررسی ادله حکم اولیه

در این قسمت ادله جواز و منع نمایش ساز مطرح در بحث مورد توجه قرار می گیرد که عبارت اند از اصالة الاباحه، عمومات و اطلاقات، روایات خاصه و دلیل حسم ماده فساد.

۱-۲-۳- اصل اباحه

هرچند در مواجهه با مسائل نوپدید، اصل اولیه به استناد عقل و نقل اباحه افعال است؛ اما در محل کلام نمی توان به اصالة الاباحه قائل شد؛ همچنان که به عقیده استاد

علیدوست، جریان برائت در تعینات نو پیدای هنری، حاصل کم کاری ماست، نه حاکی از فقر منابع استنباط (همازاده ایبانه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸) و از نظر ایشان، اصولاً هنری در لسان شارع مسکوت عنه نیست.

اگرچه کلیت کلام اخیر را نمی توان پذیرفت، اما این سخنی غیرقابل انکار است که صرف نوپدید بودن مسئله ای موجب نمی شود به فقدان نص حکم کنیم و برائت جاری نماییم؛ چراکه در بسیاری موارد، ادله حرمت و حلیت مسائل مستحدثه از منابع موجود به دست می آید. پس دیگر فقدان نصی نخواهد بود تا نوبت به جریان برائت رسد.

آیت الله جوادی آملی در خصوص موارد شبهه در مسئله موسیقی قائل هستند: «دسته ای از موسیقی ها هم مشکوک است، پس با داشتن راه صحیح، دیگر به دنبال مشکوک نمی رویم» (پایگاه اینترنتی تبیان، <https://article.tebyan.net/305309>).

ظاهر کلام ایشان نفی جریان برائت است، و لکن روشن است که این مسئله از باب احتیاط است و به نظر می رسد با وجود ادله، نوبت به جریان برائت نمی رسد. در نتیجه، این دلیل ناتمام بوده و باید به ادله دیگر رجوع کرد.

۲-۲-۳- عمومات و اطلاقات

با نگاهی به روایات ابواب اشتغال به ساز می توان گفت، هر چند حکم اولیه تحریم استفاده از ساز است ولی با تأمل بیشتر، نمی توان به عموم آن ملتزم شد. زیرا با نظر به قرائنی دال بر انصراف از جمله استفاده خاص از ساز در زمان صدور روایات و استفاده از ملاهی به جای ساز و آلات عزف (ر.ک: کلینی، ج ۸، ص ۳۶، ح ۷ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۸۳، ح ۱) چنین نتیجه گرفته می شود که در آن زمان، استفاده خاصی از ساز مورد نهی قرار گرفته و نه همه موارد آن. در نتیجه، نمی توان گفت همان حکمی که در بحث اشتغال به ساز مطرح است، در سایر توابع آن نیز جاری است.



۳-۲-۳- روایات خاصه

باتوجه به خصوصیتی که در رسانه و فرم و نمایش و آثار آن از جمله رواج و گسترش موسیقی بین مردم و جود دارد، مناسب است روایاتی که در این زمینه می‌تواند مورد استدلال قرار گیرد، مطرح شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

روایت اول: «علی بن ابراهیم در تفسیر خود از پدرش ابراهیم بن هاشم از سلیمان بن مسلم خشاب از عبدالله بن جریرح مکی از عطاء بن ابی ریح از عبدالله بن عباس از رسول الله ﷺ در ضمن حدیثی از آن حضرت این چنین نقل می‌کند: همانا از نشانه‌ها و علامات (پایان دنیا و) برپاشدن قیامت چند چیز است: مهمل گذاردن و واگذاردن نماز، و پیروی نمودن از خواسته‌های نفسانی، و میل نمودن به هواها و خواهش‌ها - تا آنجا که فرمود: در آن هنگام، گروه‌هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می‌خوانند و گروه‌هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرامی‌گیرند، و زن‌زادگان زیاد می‌شوند، قرآن را به صورت غنا می‌خوانند. تا آنجا که فرمود: و سازها و طبل را نیکو می‌دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می‌شود - تا آنجا که فرمود: آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمان‌ها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۱۰، ح ۲۷).

روایت دوم: «شیخ کلینی از محمد بن یحیی از احمد بن محمد از برخی از اصحابش و نیز از طریق علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر که هر دو طریق به محمد بن ابی حمزه می‌رسد و او از حمران از امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی چنین نقل می‌کند: خواهی دید که آلات لهو آشکار و فراگیر می‌شود و مردم از آن نهی نمی‌کنند و کسی جرئت بر نهی از آن ندارد و نیز می‌بینی به واسطه کسانی که قدرت و

۱. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ الْخَشَابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّ مِنْ أَسْرَاطِ السَّاعَةِ إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ وَالْمَيْلَ إِلَى الْأَهْوَاءِ إِلَى أَنْ قَالَ فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَيَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ وَيَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَيَكْتُمُونَ أَوْلَادَ الزَّانَا وَيَتَعَتَّقُونَ بِالْقُرْآنِ إِلَى أَنْ قَالَ وَيَسْتَحْسِبُونَ الْكُوفَةَ وَالْمَعَارِفَ وَيُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَى أَنْ قَالَ فَأُولَئِكَ يَدْءُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ الْأَرْجَاسِ الْأَنْجَاسِ

سلطنتی دارند انسان‌های شریف ذلیل و پست انگاشته می‌شوند و همچنین مشاهده می‌کنی نزدیک‌ترین افراد به حاکمان کسانی خواهند بود که ما اهل بیت را به بدی یاد کنند و باز می‌بینی کسانی که ما را دوست می‌دارند دروغگو شمرده شده و شهادتش پذیرفته نمی‌شود و می‌بینی برای قول زور-غنا- با یکدیگر رقابت می‌کنند و می‌بینی گوش فرادادن به قرآن بر مردم گران آمده و شنیده باطل آسان می‌گردد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۷۵، ح ۶).

بررسی روایات: هر دو روایت ضعف سند دارد و اولی مشتمل بر افراد مهمل بوده و دومی به نحو ارسال نقل شده است و گذشته از ضعف سند یک اشکال کلی بر روایات ملاحم و فتن وارد است و آن اینکه در مورد این روایات تردید است که در مقام نهی و تحذیر باشد، بلکه چه بسا صرفاً در مقام اخبار از آینده باشد و با چشم‌پوشی از این اشکال، در خصوص روایت اول، محل شاهد عبارت «سازها و طبل را نیکو می‌دانند» است، اما صرف دوست داشتن آلات موسیقی تا جایی که منتهی به فعل نشود، موجب حرمت نیست و در روایت دوم، محل شاهد «خواهی دید که آلات لهو آشکار و فراگیر می‌شود و مردم از آن نهی نمی‌کنند و کسی جرئت بر نهی از آن ندارد» است که اگرچه مصداق بارز ظهور ملامی در نمایش دادن آن است، اما دانستیم لهو مادامی که مضل و فاسد نباشد، اشکال ندارد. بله، بعید نیست بگوییم از این روایات، مذاق شارع به دست می‌آید که راضی به گسترش موسیقی نیست؛ و لکن این کلام نیز اختصاص به موسیقی لهوی مضل و مبتذل دارد و ضعف سندش همچنان باقی است.

روایت سوم: «حسن بن علی بن شعبه در تحف العقول از امام صادق علیه السلام در بیان انواع فعالیت‌ها در جهت گذران زندگی مردمان نقل می‌کند که فرمودند: همانا خداوند شغل و

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حُمَيْرَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: ... وَرَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ قَدْ ظَهَرَتْ يَمْرُؤَهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا وَلَا يَجْتَرِئُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَرَأَيْتُ السَّرِيفَ يَسْتَدِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ وَرَأَيْتُ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاءِ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِشَيْئِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَأَيْتُ مَنْ يُجْبِنُنَا بُرُوزَ وَلَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَرَأَيْتُ الزُّورَ مِنَ الْقَوْلِ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَرَأَيْتُ الْقُرْآنَ قَدْ نُقِلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعَهُ وَخَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ.



پیشه‌ای که کلش حرام باشد و حاصلش فقط فساد باشد را حرام دانسته همچون عود و نی و شطرنج و هر آلت لهو دیگر^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۸۳، ح ۱).

بررسی روایت: محل شاهد، صنایع حرام است که رسانه می‌تواند از مصادیق آن باشد و وقتی در ارتباط با ساز و آلات موسیقی و کل ملهوه به قرار گیرد، منطبق بر محل کلام می‌شود. اما سند این روایت به دلیل ارسال و نیز عدم نقل آن در هیچ یک از مجامع روایی قدیمی و عدم شهرت قدمائی بر آن ضعف دارد و نیز در مورد دلالت آن، با فرض آلات مشترک، صدق «آنچه فقط از آن فساد حاصل شود» محل اشکال است.

روایت چهارم: «شیخ صدوق به اسنادش از اعمش از امام باقر علیه السلام در ضمن حدیث احکام دین نقل می‌کند: گناهان کبیره حرام عبارت‌اند از شرک به خدا و کشتن کسی را که خدا خورش را محترم دانسته... و آلات لهوی که مانع از یاد خدا عزوجل می‌شود مکروه است مثل غنای و نواختن تار و مداومت بر گناهان صغیره»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۳۱، ح ۳۴).

بررسی روایت: سند روایت ضعیف است و در آن، رجال مهمل وجود دارد. در مورد دلالت این روایت، باتوجه به اینکه نواختن ساز، مصداق ملامی «مانع از ذکر خدا» عنوان شده است و نیز باتوجه به اینکه به طور قطع، تلویزیون از مصادیق نوپدید ملامی به شمار می‌رود، پس تفصیلی بین اشتغال به ساز به طور زنده یا از رسانه وجود ندارد و نواختن ساز به هر طریقی که باشد، اگرچه به نمایش آن از رسانه ملی، می‌تواند مصداق این روایت باشد. اما اشکالی که وجود دارد، آن است که این‌گونه روایات، ناظر به استفاده متداول در زمان صدور روایات است. پس اگر امروزه کاربری آلات موسیقی، اختصاص به جهات فاسده نداشته باشد، نه اصلش و نه نمایشش ایراد نخواهد داشت؛ بنابراین، دلیل نقلی خاص بر منع از نمایش ساز وجود ندارد.

۱. الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَخْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي وَجْهِ مَعَايِشِ الْعِبَادِ... إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَخْضًا نَظِيرَ الْبِرَابِطِ وَالْمَرَامِيرِ وَالشَّطْرَنْجِ وَكُلِّ مَلْهُوَةٍ بِهِ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْتِنَادُوهُ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي حَدِيثِ سَرَاعِ الدِّينِ قَالَ: وَالْكَبَائِرُ مَحْرَمَةٌ وَهِيَ الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ... وَالْمَلَاهِي الَّتِي تَصُدُّ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَكْرُوهَةٌ كَالْغِنَاءِ وَصَرْبِ الْأَوْتَارِ وَالْإِضْرَازِ عَلَى صَغَائِرِ الدُّنُوبِ

۴-۲-۳- حسم ماده فساد

از جمله ادله‌ای که می‌توان بر حرمت نمایش ساز بدان استناد کرد، لزوم حسم ماده فساد است که این دلیل را آیت‌الله خوبی درباره جمیع انتفاعات از آلات ملامی ذکر نموده‌اند و به حرمت وضعی و تکلیفی آن حکم کرده‌اند و پس از بیان اجمالی روایات مبنی بر حرمت هرگونه انتفاعی از این آلات می‌فرمایند: «بلکه از وظایفی که لازم است انجام شود شکستن و از بین بردن آن است با هدف نابودی ریشه فساد»^۱ (خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۵) که این کلام ناظر به عدم امکان انتفاع حلال از آلات موسیقی است؛ همچنان که در ذیل کلامشان اضافه می‌کنند: «ومن أوضح مصادیقه ما هو مرسوم الیوم من تغنی أهل الفسوق ولهوهم بالرادیوات و غیرها من آلات الملامی» (خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶). دو اشکال بر این کلام وارد است: اولاً آنکه ایشان خود تصریح نموده است به اینکه موضوع حرمت در اینجا، آلات لهو است و مضافاً الیه خارج از حدود مضاف است، نه جزء آن، بلکه به نحو اشتراط و تقیید در آن اخذ می‌شود (ر.ک: خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۵) و این، همان حیثیت تقییدیه‌ای است که ملاک حرمت دانسته شد و اما مطلب دیگر اینکه خود ایشان به انتفاعات حلال از موسیقی قائل بوده‌اند و در پاسخ به استفتایی در این خصوص به جواز حکم داده‌اند (خوئی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۶۹). بنابراین، صدق ماده فساد که حسم آن واجب است، بر موسیقی و موضوعات تابعه، از جمله نمایش ساز که امکان کاربری غیر لهوی داشته باشد، محل اشکال است.

۳-۳- بررسی ادله حکم ثانویه

پس از بیان حکم اولی و جواز استفاده از موسیقی و جمیع توابع آن مشروط به عدم کاربری لهوی (لهو مضل و مفسد) لازم است با توجه به ویژگی‌های موضوع محل بحث دو دلیل متصور در جواز و منع به حکم ثانوی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بل من الوظائف اللازمة کسرها وإتلافها حسماً للمادة الفساد.



۱-۳-۳- دلیل جواز: دفع افسد به فاسد

از آنجائی که هنر در پیشبرد مقاصد دینی نقش مؤثری دارد، باید اذعان کرد اگر قصد معرفی دین و جذب نسل جوان و توده مردم به سمت دین مطلوب باشد، این مهم تنها در قالب جذاب هنر قابل ارائه خواهد بود (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۸۷).
بر این اساس لازم است از ظرفیت حداکثری رسانه ملی جهت حرکت به سمت الگوی مترقی اسلامی ایرانی پیشرفت، استفاده کرد که در این میان استفاده از موسیقی به عنوان یک هنر، اگر بتوان آن را در جهت تقرب و تعالی به خدمت گرفت، اجتناب ناپذیر است و رسانه ملی با گستره مخاطبانش نقش بسزایی در این مهم ایفا می کند.

در این زمینه از شهید مطهری چنین نقل شده است: «اگر شما غنا و موسیقی را [مطلقاً] حرام کردید باید رادیو، تلویزیون و رسانه را تعطیل کنید. این صورت خود مصالح زیادی را فوت می کند. مردم و به خصوص جوانان، گروه گروه به سمت سایت ها و امواج گمراه کننده می روند» (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

بنابراین روشن می شود ترویج موسیقی از رسانه ملی که یکی از مصادیقش از طریق نمایش ساز و آلات موسیقی است، برای جلوگیری از مراجعه مردم به رسانه های بیگانه و شبکه های ماهواره ای ضرورت دارد؛ به عبارت دیگر، از باب دفع افسد به فاسد به جواز آن حکم می شود.

اما در طرف مقابل و در نفی ضرورت انگاری بعضی از عُرف ها و عادت ها استاد علیدوست می گوید: «... مانند اینکه بدون توجه به اسناد شرعی گفته شود: غنا، موسیقی و مجسمه سازی یک ضرورت است. در این صورت، با ضرورت انگاری پدیده ای به حق غیر ضرور، آن را به عُرف و نیازی معمولی تبدیل می کنند تا بدان وسیله استفاده جواز کنند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۲۸).

چه بسا از همین روست که امام راحل نیز این ضرورت را نپذیرفته و می فرماید: «اینکه می گویند اگر موسیقی در رادیو نباشد، آن ها می روند از جای دیگر موسیقی می گیرند. حالا اگر از جای دیگر موسیقی بگیرند، ما باید به آن ها موسیقی بدهیم؟ ما باید به آن ها

موسیقی بدهیم؟ ما باید خیانت بکنیم؟ این خیانت است به یک مملکتی. خیانت است به جوان‌های ما» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۰۴).

اما به نظر می‌رسد نمی‌توان ضرورت را به نحو موجب کلیه یا سالبه کلیه مطرح کرد و حق آن است که استاد علی‌دوست ذیل فرمایش حضرت امام + مطرح نموده و می‌گوید: «مسئله دفع افسد به فاسد دو صورت دارد؛ یکی اینکه مکلف عند التزاحم به شرایط و موقعیت خودش توجه می‌کند؛ همچنان که در کلام امام راحل + موجود است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۴)، یعنی وقتی امر دایر باشد، بین ارتکاب دو حرام باید ببیند مفسده کدام کمتر است و همان را انجام دهد، برخلاف وقتی که تزاحم در افعال مکلف واحد نیست، بلکه بین افعال مکلفین است که در اینجا مثلاً اگر زید ملاحظه کند امر دایر است بین اینکه شرب خمر کند، والا عمرو مرتکب قتل می‌شود که در اینجا نمی‌شود حکم کرد به جواز شرب خمر زید برای جلوگیری از قتل توسط عمرو و در محل کلام، دفع افسد به فاسد از قبیل قسم اخیر است؛ بنابراین، رسانه ملی جایز نیست برای اینکه کسی مرتکب حرام بدتر نشود، خود مرتکب حرام شود. اما صورت دوم، دفع افسد به فاسد چنین است که بعضی مفاصد به گونه‌ای است که شارع به هیچ‌وجه راضی به وجود آن نیست که در اینجا، دیگر معیاری که در بالا ذکر شد مطرح نیست و نمی‌توان آن را به نحو موجب کلیه پذیرفت؛ برای مثال، اگر فرض کنیم جلوگیری از دچار شدن مردم به شبکه‌های ضلال و وقوع در مهلکه تلویزیون‌های بیگانه ممکن نباشد، مگر به سرگرم شدن به موسیقی از طریق تلویزیون که زیر نظر حکومت صالحه اداره می‌شود، در این صورت، این عمل به مراتب مفسده کمتری دارد و عقل و بلکه نقل حکم به جواز آن می‌کند. البته باید توجه کرد که این به معنای جواز کلی نبوده و به مقدار ضرورت باید اکتفا کرد» (علی‌دوست، بی‌تا، ص ۱۱۰۷).

در نهایت، آنچه مهم است حدود شرعی استفاده از این هنر است؛ همچنان که در سایر مسائل نیز رعایت حدودی که شرع مقدس تبیین می‌کند، واجب و حکومت اسلامی موظف به اجرای آن است.



حاصل آنکه ضرورت استفاده از موسیقی ملازمه‌ای با جواز بی‌قید و شرط موسیقی با تمام توابع آن از جمله نمایش ساز و غیره ندارد.

۲-۳-۳- دلیل ممنوعیت: ترویج باطل

عمده دلیل منع نمایش ساز از رسانه ملی دلیل حرمت ترویج باطل است. رهبری معظم در بیان این دلیل می‌فرمایند: «این تهتک است. نفس نشان دادن این آلات در سیمای عمومی کشور که همه می‌بینند، خود این، نزدیک کردن مردم به این فضای رواج و غلبه این اشیا در جامعه است... امروز وضع موسیقی در کشور وضع مطلوبی نیست. همچنان موسیقی لهوی مضر بر موسیقی غیر لهوی غلبه دارد؛ بنابراین، در این شرایط، هر چیزی که ترویج کند این موسیقی را، به نظر ما جایز نیست» (مقام معظم رهبری، ۲۲/۱۰/۱۳۸۸). در پاسخ به این فرمایش گفته می‌شود: استفاده از آلات موسیقی و به‌کارگیری نوای ساز در رسانه با ملاحظه سه ویژگی، نه تنها در موارد ضرورت، بلکه مطلقاً بلاشکال است و آن سه ویژگی عبارت‌اند از: توجه به اغراض صحیح و نیز به‌کارگیری غیر لهوی (لهو مضر و مفسد) و همچنین عدم استفاده از آلات مختص به حرام - در فرض ثبوت - و بهره‌گیری از آلات مشترک (علوی، ۱۴۰۰، ۲۸۳).

بلکه می‌توان گفت نفس استفاده از موسیقی به معنای عامش در رسانه ملی و در راستای اهداف نظام مقدس اسلامی، قطعاً راجح است و رهبری معظم در ذیل بعضی روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۱۰) که به قرائت قرآن با صدای خوش امر می‌کند، می‌فرمایند: «این هنر است؛ هنر یعنی همین؛ این هنر موسیقی است و در انواع و اقسام، ترویج شده» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۳) یا کلامی که آیت‌الله جوادی آملی از مرحوم فاضل تونی نقل نموده است: «مگر ممکن است کمال یک پیغمبر، حرام باشد؟ این شعر و آوازخوانی، کمال جناب داود - علی نبینا و آله و علیه‌السلام - بود» (پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، <https://qom.farhang.gov.ir/>، ۱۹۳۱۸۶/fa/news).

با حفظ این مقدمه باید گفت: هر باطلی حرام نیست، ولی با فرض پذیرش حرمت ترویج باطل، صغرای قضیه محل تأمل است؛ چراکه اولاً اگر امر دایر باشد بین نمایش ساز بدون صدا از تلویزیون - چنان که در سؤالی که رهبری مطرح می‌کنند، مسئله برپایی نمایشگاه مطرح شده است - و بین پخش نوای ساز و موسیقی از رادیو که آلات موسیقی دیده نمی‌شود؛ به طور قطع هیچ کس نمی‌گوید رواج باطل در مثال اول بیشتر صدق می‌کند. ثانیاً، باتوجه به تعریفی که از موسیقی شده (علم تألیف الحان)، موسیقی از محسوسات شنیداری است و تبعاً حلیت و حرمت باید متناسب با خصوصیات موضوع باشد. حال اگر گفتیم اصل شنیدن آن در انتفاعات حلالش جایز است و رواج آن نیز که مصداق بارزش، پخش نوای موسیقی و صدای ساز از رسانه ملی است، اشکالی ندارد؛ پس نمایش ساز که از جنس محسوسات دیداری بوده است و تناسب کمتری با اصل موسیقی دارد، به طریق اولی اشکال ندارد. همچنان که باتوجه به فرمایش معظم له اگر بپذیریم که موسیقی می‌تواند مقرب الی الله باشد - چنان که رهبری اشاره می‌نمایند (ر.ک: مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۰/۲۲) - آیا می‌توان تردیدی در جواز آن داشت؟

علاوه بر این کبرای قضیه نیز محل تأمل است و نمی‌توان حرمت را به نحو مطلق پذیرفت؛ چراکه گاهی دلیل واضح است، اما در مقام امثال، ملاکات با یکدیگر تراحم پیدا می‌کنند؛ در چنین مواردی باید ملاک اقوی را اخذ کرد و طرف دیگر را رها نمود. این قاعده در فقه نمونه‌های فراوان دارد؛ برای مثال، شیخ اعظم در بحث حفظ کتب ضلال به این موضوع اشاره نموده است و می‌گوید: «از بررسی ادله به دست می‌آید که حفظ کتب ضلال فقط به خاطر مفساسدی که قطعاً یا به احتمال زیاد مترتب بر آن‌ها می‌شود، حرام و ممنوع است؛ بنابراین، اگر چنین نباشد یا مفسده موجود یا موردانتظار با مصلحتی تعارض کند که قوی‌تر بوده یا احتمال وقوعش بیشتر باشد، دلیلی بر حرمت وجود ندارد» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۴).

در محل کلام نیز اگر مصلحتی در جهت منافع انقلاب و فرهنگ ایرانی - اسلامی ترویج موسیقی را اقتضا کند، هرچند از طریق نمایش یک ارکستر سمفونی و از طرف



دیگر، مصلحتی به سبب آثار مخرب ترویج موسیقی، عدم نمایش آن را اقتضا کند، در این صورت، یک دیدگاه این است که به طور کلی دفع مفسده اولی از جلب منفعت است و لکن با فرض پذیرش این نظر، این امر در جاییست که یکی از طرفین ترجیح نداشته باشد و الا با فرض مصلحت اقوی باید به آن اخذ شود و تشخیص مصلحت اقوی نیازمند تحقیق و کار کارشناسی است.

برای درک بهتر مسئله و جایگاه مصلحت در رسانه، عبارتی را که بخشی از آن پیش تر -در بحث جایگاه نمایش ساز در ادله- گذشت، از استاد علیدوست نقل می‌شود: «مقاصد، نص را از حالت علت تام به یک نص اقتضایی تبدیل می‌کند؛ یعنی اگر می‌گوید لغو نهایتاً مکروه است، معنایش این نیست که در هر شرایطی این طور است، بلکه معنایش این است که لغو اگر اقتضائات دیگر نباشد، لغو است، ولی اگر بخواهد از رسانه پخش شود، چه کسی گفته پخش لغو از رسانه مکروه است یا مثلاً اگر برنامه رسانه به ترویج مصرف‌گرایی، ترویج مسابقه در مادیات و تکاثرتطلبی منجر شد، مسئله فرق می‌کند. ترویج لغو، غیر از خود لغو است. این یک موضوع است و آن یک موضوع دیگر. ممکن است کاری برای یک کارگر یا یک معلم حلال باشد، اما برای من طلبه یا یک مرجع تقلید حرام باشد. البته فرض کنید ممکن است سیما، رسالت خود را سرگرم کردن مردم بدانند و از این مسیر بخواهد دفع افسد به فاسد نماید. در آن صورت می‌شود مرحله دوم استنباط؛ یعنی یک حکم داریم به نام حرمت ترویج لغو از رسانه ملی و یک حکم داریم به نام سرگرم کردن و پیشگیری از رفتن سراغ امواج ضلال. اینجاست که استنباط مرحله دوم باید یک سیاست روشن برای صداوسیما تبیین کند» (همارزاده ایبانه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷).

ایشان در مقاله دیگری می‌گویند: «حاکمیت اسلامی زمانی که قدرت را به دست می‌گیرد، وظیفه‌اش مذاق‌سازی برای مردم است؛ یعنی همان‌گونه که مسئولیت ایجاد اشتغال، امنیت جامعه، بهداشت، آموزش و پرورش و راه و ساختمان را دارد، همین‌طور موظف است برای مردم در راستای گرایش به ارزش‌ها ایجاد مذاق کند. حاکمیت اسلامی اگر بی‌تفاوت باشد یا بدتر از بی‌تفاوتی، به‌گونه‌ای حرکت کند که مذاق مردم

سمت محرمات برود، در رسالت خود کوتاهی کرده و بابتش مسئول است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

❁ ۴- جمع بندی و نتیجه پژوهش

گاهی دلیل فقهی ما بر جواز، «ضرورت» است که در این صورت، الزاماً باید به میزان رفع حاجت بر عملی که به حکم اولی جایز نیست، اقدام کرد. برای مثال، اگر ساخت یک فیلم بدون موسیقی متن امکان پذیر نیست، میزان استفاده رسانه ملی فقط برای همان فیلم باید باشد و دیگر نمی توان در فواصل برنامه ها یا جُنگ ها از آلات موسیقی استفاده کرد تا چه رسد به آیتم های موسیقی و آواز که خواننده ای در استودیو یا جای دیگر مشغول آواز می شود! اما در محل کلام چنین نیست بلکه به عکس؛ حکم اولیه استفاده از موسیقی همراه با ساز جواز بوده و این جواز برای سایر توابع آن نیز ثابت است؛ از جمله نمایش ساز. حال اگر بگوییم دلیل ثانوی، یعنی مفسده موجود، موجب حکم به حذف آن می شود، لازم است تبعات این حذف را ملاحظه کرد.

به نظر می رسد اگر پنخس موسیقی از رسانه ملی فقط به اندازه آواز خواننده ای باشد، قطعاً نشان دادن و ندادن ساز هیچ مشکلی ایجاد نمی کند؛ اما واقع آن است که حذف نمایش ساز، یعنی حذف بخش عمده ای از موسیقی فاخر و حرکت به سمت موسیقی ارزان و بی کیفیت که حاصلی جز ابتذال نخواهد داشت؛ چراکه حذف نمایش ساز، یعنی حذف نمایش ارکستر سمفونی های بزرگ جهان، حذف کنسرت های اصیل و فاخر ایرانی، حذف جشنواره های موسیقی و حذف برنامه های تخصصی این حوزه.

بی شک، رسانه ملی به عنوان بزرگ ترین تشکیلات فرهنگی کشور، سهم مهمی جهت فرهنگ سازی و تغییر ذائقه مردم دارد؛ اما متأسفانه آنچه امروز شاهدش هستیم نه تنها با ذائقه عامه همراه نبوده است، بلکه به سرعت به سوی موسیقی مبتذل پیش می رود.

بله با عملکرد فعلی رسانه ملی، نه تنها نمایش ساز جایز نیست، بلکه بسیاری از آهنگ های آن، مصداق غنا بوده و بی تردید حرام است.



اما نکته‌ای که در بررسی حکم ثانویه اهمیت دارد، برخلاف دیدگاهی که نمایش ساز را متوقف بر غلبه خارجی و استفاده غالبی موسیقی لهوی دانسته و به همین دلیل، حکم به عدم جواز می‌نماید، به نظر می‌رسد باتوجه به ظرفیت رسانه و جایگاهی که در فرهنگ عمومی دارد، مسئله متوقف بر عملکرد رسانه ملی است. به عبارت دیگر، رفتار رسانه ملی نمی‌تواند متأثر از غلبه خارجی در استعمال آلات موسیقی باشد، بلکه این صداوسیماست که بر فضای عمومی و فرهنگ عامه نقش مؤثر دارد و نمی‌تواند منفعل باشد؛ بنابراین، مدیریت رسانه است که در این زمینه، با تغییر ذائقه عامه مردم می‌تواند جامعه را به سمت صلاح یا فساد سوق دهد.

بر این اساس، باتوجه به آنچه در احکام ثانویه بیان شد، مبنی بر عدم صدق ترویج در نمایش ساز و نیز توقف مسئله بر عملکرد مدیریت موسیقی در رسانه ملی، نمایش ساز از این رسانه، بی‌اشکال بوده و راه حل در سیاست‌گذاری صحیح و هدفمند و نظارت کیفی در این رسانه است.

❁ فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۳. ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، شفا، بی جا: بی نا، بی تا.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۵. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، مکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در درس خارج فقه (مکاسب محرمة - النوع الرابع الاکتساب بعمل محرم فی نفسه - المسألة الثالثة عشرة الغناء)، تهران، ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۸. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش ملی فقه هنر، قم: مدرسه اسلامی هنر، ۱۳۹۵.
۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حلّی، ابن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.



۱۱. حلی، نجم‌الدین، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۱۴. صافی‌گلپایگانی، لطف‌الله، *جامع الأحکام*، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها‌السلام، ۱۴۱۷ق.
۱۵. صدوق، محمدبن‌علی بن بابویه، *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی علیه‌السلام، ۱۴۱۵ق.
۱۶. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۱۷. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
۱۸. -----، *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۱۹. -----، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
۲۰. علوی، سید اباذر، *بررسی فقهی نمایش آلات موسیقی در رسانه ملی*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام، ۱۴۰۰.
۲۱. علیدوست، ابوالقاسم، *تقریرات درس خارج فقه (مکاسب محرمة - النوع الرابع)*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۲. فارابی، ابونصر محمدبن‌محمد، *احصاء العلوم*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۲۳. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، *العین*، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۴. کلینی، محمدبن‌یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۵. محقق‌ثانی، علی‌بن‌حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۶. معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۷. مقرئ فیومی، احمدبن‌محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دارالرضی، بی‌تا.
۲۸. منسوب به امام رضا علیه‌السلام، *فقه الرضا*، مشهد: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *صراط النجاة*، قم: مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ق.
۳۰. -----، *مصباح الفقاهة (المکاسب)*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

۳۲. -----، المكاسب المحرمة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۱۴۱۵ق.

۳۳. -----، استفتائات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.

۳۴. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة (۱۹ جلد)، قم: مؤسسه آل
البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.

۳۵. همازاده ایبانه، مهدی، سلسله گفت وگوها در باب فقه هنر، قم: مدرسه اسلامی هنر، ۱۳۹۶.

۳۶. پایگاه اینترنتی تبیان تاریخ دستیابی ۱۴۰۳/۲/۱۸ <https://article.tebyan.net> ۳۰۵۳۰۹.

۳۷. پایگاه اطلاع رسانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم. تاریخ دستیابی ۱۴۰۳/۲/۱۸
<https://qom.farhang.gov.ir/fa/news> ۱۹۳۱۸۶.